

شماره ای در باره

رهبری - سازماندهی و مبارزه اجتماعی *

رهبری علمی جنبش و اجتماع، سازماندهی مبارزه و اجرا * مبارزه اشکال مهم برانیک اجتماعی است و دارای قوانین ویژه ایست که در یک سلسله از علوم اجتماعی بشکل پراکنده توضیح داده میشود. مادر نوشته حاضر بیشتر مسئله رادرجهت رهبری و سازمان و مبارزه حزب انقلابی طبقه کارگر مطرح میکنیم و میکوشیم تا به انکا * تجارب خود و دیگران مسائل عمده رابازبان ساده جمع بندی کنیم *

I - رهبری علمی جنبش و جامعه

مسئله رهبری علمی جنبش اجتماعی و جامعهمازاهم مسائل مطرح در مطبوعات کشورهای سوسیالیستی است این مسئله رامطبوعات بهرژوائی نیز تحت عنوان مسئله "مدیریت" از زاویه دید خود مطرح میکنند. در کشور ما نیز، بنا بهالهام محافل امریالیستی، مسئله مدیریت مطرح است و در این باره کتب و مقالات متعددی نشر یافته است. مادر اینجا سودمند میدانم از نظر مارکسیسم - لنینیسم مبادی اساسی رهبری علمی جنبش و جامعه را باجمالی بیان دارم. اطلاع از قواعد و موازین حتمی و ضروری رهبری علمی یکی از شرایط مهم حفظ رهبران و مسئولین امر از ذهنگیری (سو برکتیویسم) و یا حل مسائل بانکا * اراده (ولونترایسم) و غرق شدن در تجارب تنگ و محدود علمی (پراتیسیسم) است *

۱ - مرحله کسب اطلاع جامع و موثق درباره وضع

نخستین شرط رهبری صحیح و علمی جنبش اجتماعی و جامعه عبارتست از تا مین اطلاع جامع و موثق در باره وضعی که مورد بررسی ماست و باید مادر آن تا * شیر بخشیم (جامعه، نهضت، حزب و غیره) * ایسنا اطلاع باید مبتنی بر فاکتهای دقیق باشد و بخواستهها و گرایشهای ذهنی در جمع آوری فاکتها و کسب اطلاعات راه داده نشود. زیرا در انبوه واقعیت، فاکتهای متنوع بسیار است و اگر کسی مغرض باشد میتواند آن فاکتهای را برگزید و برگزیده که بسود اوست و آنها را که برزبان اوست بگذارد و یا آنکه از سری دقتی و شتاب عمل کند و فاکتهای نمونه وار را ننید و فاکتهای فرعی و غیرمهم رابجای آنها گرد آورد. لذا جمع آوری فاکت و گرد آوردن اطلاع نباید در مقطع تعامیلات خاص باشد یا سرسری انجام گیرد تا بتوان از روی آنها وضع واقعی را دانست. ای چه بسا وضع واقعی درست برخلاف تصور و انتظار است، ای چه بسا در وضع واقعی تحولاتی روی داده

* این نوشته بصورت سه مقاله جداگانه در شماره ۷ و ۸ ماهنامه مردم (دوره ششم) درج شده است. با آنکه نگارنده از تجدید چاپ آنچه که در مطبوعات حزبی منتشر شده در این جزوه خود آری مرزیده است، این نوشته را که مایل بود تحت یک عنوان واحد گرد آورد استثنائاً در این کتاب آورده است. بعلاوه در این نوشته برخی نظریات نگارنده در باره کیفیت تنظیم مسائل مربوط به برانیک اجتماعی نمونه مشخصی یافته است *

است که ما آنرا حدس نمیزدیم. اگر اطلاع کرد آید جامع، موشق، بی غرضانه، دقیق باشد، میتواند پایه خوبی برای تحلیل قرار گیرد. میکنند به عقل بی عسای فاکت قادر بر راه رفتن درست نیست و مرغ خرد بی هوای فاکت نمیتواند پرواز کند.

۲- مرحله تحلیل عمیق فاکتهای گرد آید.

وظیفه دوم عبارتست از تحلیل علمی فاکتهای گرد آید. بر اساس اسلوب علمی (دیاکتیک) و جامعه شناسی علمی (ماتریالیسم تاریخی). زیرا خود فاکتهای نمیتوانند روابط دیگر ماهیت وضع، روابط دنیوی، سیرنهائی و قلیع و سمت تاریخی و غیره باشند. در اجرا، تحلیل نیز باید سخت و دقیق بود. اگر ما بگوئیم فاکتها و اطلاعات را در کالبد های فکری و قالبهای اصولی معینی بزر بکنجانیم، نتیجتاً آنها را منسوخ کرده ایم. اگر هم نخواهیم از احکام رهنما برای سمت یابی در انبوه فاکتها استفاده کنیم، نخواهیم توانست از فاکتهای گرد آید. استاد مای بکنیم. اگر فقط به فاکتها، اطلاعات کرد. آید. کتفاورزم یعنی در مرحله امپیریک صرف بمانیم، قادر به درک عمق حوادث نیستیم. اگر تکیه خاصی بر روی اصول کلی بکنیم و در راسینالیسم مطلق غرق شویم، باز هم به بیراهه رفته ایم، باز هم ذهنی را بر عینی مقدم ساخته ایم، باز هم دچار ذهنیگری شده ایم.

اینچایک مرحله حساس است و باید توانست تناسب صحیح بین تجربه و تعقل، فاکت و تعمیم را حفظ کرد.

برای آنکه در این مرحله حساس، از فاکتها و اطلاعات و تجارب و مشاهدات گرد آید به درستی استفاده شود بهترین است بررسی جمعی. در کاد راضهار نظر خلاق و عاری از ترس و ملاحظه و غرض بعمل آید تا گنّه وقایع و ریشه حوادث و جهات مختلف آن و سمت حرکت آن روشن و منظره حقیقی جریان بد رستی فرسیم کرد. پسک چنین مقدمه ای شرط حیاتی و ضروری عمل درست است و الا از قدمات و محملهای غلط فکری مسلماً عمل غلط سر خواهد زد و نتایج ضایع خواهد بود.

۳- مرحله استخراج شعارها و رهنمود های عمل

اکنون فرض آنست که ما از وضع واقعی بد رستی مطلع شدیم، آنرا بد رستی تحلیل کردیم و به نتیجه گیری های معین و مشخصی در باره جریان رسیده ایم که منطبق با واقعیت است. تمام این فعالیتها جنبه آکادمیک و نظری دارد، اگر بعمل بجز نکردد، اگر برای پیشرفت حزب و نهضت و رشد جامعه بکار نرود. لذا نباید از تحلیل، شعارها و رهنمود های عمل را استخراج کرد برای آنکه وظایف حزب، نهضت، جامعه در راه نیل به هدفی که در برابر خود نهاده است، در مقطع معین زمانی و مکانی روشن کرد.

استخراج شعارها و رهنمود های مشخص و کنگرت امر رهبری را از مرحله بررسی نظری وارد مرحله بسیار دشوار و فوق العاده بخرنج و پرسشولیت عمل میکند. بسیار سود مند است اگر شعارها و رهنمود های را که از تحلیل خود استخراج کردیم در مرحله نخست بشکل تجربی در یک محیط محدود تر بکار ببریم تا بصحت و اثر بخشی و کارایی آن در عمل معتقد شویم. اجرا مجولانه یک رهنمود، هر قدر هم که سنجیده و آند پیشده باشد در مقیاس وسیع، دور از حزم است، تا چه رسد بآنکه ما آن رهنمود را بدین سنجشهای لازم نیز اخذ کرده باشیم. ما جراحیوشی جز این نیست که رهنمود ها ذهنی و ولوشنا رستی باشد و با حرارت و شتاب در مقیاس وسیع جامعه اجرا کرد. متأسفانه باین روش ما جراحیوانه کم برخوردار نمیشود و بسیاریند مسئولینی که با تکیه عقل خود تصمیمات شتابزده میگیرند و با تکیه اراده خود میکوشند آنرا پیش ببرند و بدینسان همه امور را ضایع میسازند.

۴- بهره گیری از ابتکار و اندرز تو ده ها

هر قدر هم رهبر یاد ستگا و رهبری خرد مند باشد، با دقت عمل کند، بر اساس فاکتهای جامع و موشق و

تحلیلهای علمی و عمیق جمعی و خلاق نتیجه گیری نماید، رهنمود های عمل را بد رستی تعیین کند، باز خطرس خطاکاری برایش محذوف نیست زیرا پدید ه های اجتماعی فوق العاده و جامع الاطراف و بفرنج، متحرک و متغیر، متنوع و گونه گون هستند و ابلهانه است اگر کسی یا کسانی تصور کنند با مغز خود توانسته اند تمام این بفرنجی را احاطه نمایند. تاریخ نیزنگه بازاست و بوالعجبی های فراوان در آستین دارد.

لذا باید در جریان عمل کردن بیک رهنمود، بیک شمار د اشماگوش بزرگه انتقاد ها و اندرز ها و پیشنهاد ها و ابتکار ها و زتها را بشه ای بود ه هابود. نکته اینجاست که برای اجرا یك كار و رسیدن بیک هدف تنها يك رهنمود، يك شعار و يك شیوه عمل قابل قبول وجود ندارد بلکه چند یا چندین شیوه عمل است که میتوان خوب و شر بخش باشد؛ ولی مهم است که در میان آنهاش بخش ترین و هدف رس ترین انتخاب گردد. با اصطلاح علمی عمل آنها را نیزاسیون (یافتن بهترین حالت از میان حالات نظیر) انجام گیرد. ابتکار و انتقاد بود ه هابترین کلمه است برای اجرا. این عمل د داشتن روشهای منجد و "تفسیرناپذیر" و لجاج غیر منطقی و عناد سوزگتفید در اجرا. شکی مشکوک و مورد انتقاد عموم، همیشه بنتائج تا سف آوری میرسد (ایکاش فقط و تنها برای کسی که لجاجت میکند، بلکه متاسفانه برای همه جریان).

۵- یافتن عد ه ترین نکته، برگزیدن مساعد ترین لحظه

در جریان اجرا رهنمود های علمی گاه نکاتی است با اصطلاح حلقاتی بسیار حلال و عد ه و حساس است و باحل آن نکته میتوان نکات متعدد ی را حل کرد و با برداشتن آن حلقه میتوان بر زنجیره حوادث تسلط یافت. یافتن این نکته عد ه و حلقه اصلی یکی از علائم بختگی، بصارت رهبری علمی است. علاوه بر یافتن نکته عد ه، خصیصه مهم دیگر يك رهبری صحیح و موثر عبارتست از یافتن مساعد ترین لحظه برای عمل، زمانی که وضع د یکنرخ یافته و میتوان با طرح صریح و صحیح شعار، نیروی موثری را بسود آن بسیج کرد. عمل بیوقع، عمل زود ترازوقع، عمل پس از گذشتن فرصت بناگامی میانجامد و حال آنکه ممکن است شعار و رهنمود انتخاب شده ب خودی خود صحیح باشد.

۶- انتخاب شخص لازم در جای لازم

تحلیلهای، انتخاب شعارها، تعیین نکته عد ه، برگزیدن لحظه مساعد، همه و همه عت خواهد بود اگر بر مکان عمل اشخاص شایسته ای ننشسته باشند. نقش شخصیتها در این زمینه نقشی است بزرگ و گساه قاطع. مثل معروفی است که کار را باید بکار د ان سپرد. زیرا امر رهبری را از روی قواعد و موازین کتابی نمیشود آموخت. برای این امر شخاصی لازم است و این شتم در جریان تجربه طولانی بدست میآید. برای این امر خصائل و صفات روحی خاصی لازم است و این خصائل و صفات چنین هم زود یاب و فراوان نیست. جاذبه شخصی، قدرت اقتاع، شور مبارزه، درایت و تدبیر، اوتوریته معنوی، انساندوستی، شهامت مصمم، قاطعیت و امثال آن از زوره این صفات و خصائل لازم است. مشخصات شخصی رهبران و مدبران که در سبک رهبری آنها بروز میکند اثرات عمیق در سیر حوادث دارد.

۷- مرحله بسیج و انگیزش

پس از آنکه مراحل مربوط بانتهاب رهنمود ها طی شد باید مردم را برای اجرا آن شعارها و رهنمود ها بسیج کرد، آنها را متشکل ساخت. زمانی میتوان مردم را بسیج کرد که شعارها در جهت مصالح و خواستههای آنها باشد و آنها بصحت این شعار معتقد و قانع گردند. این کار ساده ای نیست و گاه باید مردم حالات مختلف را تجربه کنند تا به شعار صحیح بگردند. و اما متشکل کردن مردم برای اجرا شعارها که شکل عالی و تککسرت بسیج آنهاست زیرا آنها را بخصوصی منضبط وارد عرصه عمل گاه خطرناک و جاننازانه میکند (نیز باید باهوش و ابتکار انجام گیرد. محیطهای مختلف زمانی و مکانی، اشکال مختلف تهیجی و سازمانی را ملاحظه کنند. در اینجابهیج حکم

جابد و عام و کلی نمیتواند اد. تنوع شکل تبعیج و سازمان برحسب تنوع شرایط، ضرور است. برای بسیج مردم باید درسه جهت عمل کرد: اولی درجهت افشا کامل نقایص وضعی که باید در کون شود یا تصحیح کرد. دوم درجهت بیان صحیح وضعی که باید جانشین وضع سابق کرد. سوم درجهت نشان دادن راه تحول. فقط در صورتیکه افشا موثر و صادق باشد، بیان هد فهاد رست و منطبق باخواست تکامل مراه تحول بد رستی نشان داده شود عمل بسیج بد رستی انجام میگردد. یکی دیگر از شرایط بسیج اجرای عمل انگیزش (استیمولاسیون) مردم است. انگیزش مردم به عمل، بهارزه، بکله، تشهاد رصورتی است که اعتماد مردم جلب گردد و آنها به شمشخی برنامه و راه تحول بی ببرند و از جهت روحی بشور آید. فاعلترین و آگاهترین عناصر دراد رجهان یک بسیج عام باید در سازمانهای متناسب متشکل ساخت.

۸- مرحله واریسی نقادانه انجام شده ها

پس از آنکه رهنمود راتید و بسیج شده و متشکل بد ان نحو که بیان کردیم اجرا کرد، باید اجرا شده ها را مورد بررسی قرار داد. باید از تجارب مثبت و منفی گذشته درس گرفت. بدین ان نمیتوان گام بعدی را آگاهانه و مدبرانه برداشت. در مرحله واریسی نقادانه انجام شده ها باید هم از تمایل به آراستن همه چیز و هم از تمایل به زشت کردن، هردو پرهیز داشت و تجارب را خون سردانه بررسی کرد.

II - سازمان دهی

یکی از اشکال مهم براتیک اجتماعی سازماندهی است. سازماندهی یعنی استفاد ه طبق موازین از نیروی انسانی برای انجام کار و بهارزه معین و نیل به هدف معین. هر عمل اجتماعی سازمان نیازمند است. سازمان حربه اساسی عمل اجتماعی و از انجمله مبارزه اجتماعی است. سازمانی که بهارزه سیاسی اجتماعی میرسد از حزب نام دارد. احزاب از جهت ماهیت سیاست خود دارای تعلق طبقاتی هستند. مترقی ترین و انقلابی ترین حزب در دوران ما حزب طبقه کارگر است که به جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم مجهزست. موازین این حزب را بنیادهای حزب طراز نوین طبقه کارگر بویژه لنین بیان کرده است. تجارب وسیع انقلابی امروز ما را در آن سطح و امکان قرار میدهد که موازین سازمان انقلابی طبقه کارگر را در برتود انشش عام سازمان شناسی بادقت بررسی کنیم.

انواع سازمان و ویژگیهای سازمان حزبی

عددترین اشکال سازمان را از جهت خصیصه سازمانی و کیفیت موازین تنظیم کنند ه آن میتوان بسسه نوع تقسیم کرد: سازمان اداری، سازمان نظامی، سازمان حزبی. در سازمانهای اداری و نظامی (بویژه سازمانهای اداری و نظامی تیپ بورژوا) اساس مرکزیت است و خط مشی و موازین زندگی سازمانی و ارگانهای آن سازمان را مقامات فوقانی معین میکنند. مقامات مادون و اعضا سازمان موظف به تمحیت از تصمیمات مافوق هستند و حق بازخواست ند دارند. مقامات مافوق وظیفه ند دارند در برابر مقامات مادون گزارش بدهند. انضباط در این سازمانها تقریبا کمر گرفته است. درقبال نقض انضباط واکنش ندید و در ارتش تا حد اعدام انجام میگردد. سازمان اداری و نظامی از جهت ماهیت قرارات سازمانی یکی هستند بلی از جهت شدت اجرا این موازین باهم متفاوتند. سازمان حزبی با این سازمانها تفاوت ماهوی دارد. برخلاف این سازمانها، در سازمان حزبی کلیه مقامات مافوق از طرف افراد سازمان معین میشوند. اصل شهامرکزیت نیست دموکراسی نیز هست. خط مشی، موازین زندگی سازمانی و ارگانها دارای یک پایه دموکراتیک و مشورتی است. انضباط در آن آگاهانه است. بهمین جهت جانشین کردن اسالیب زندگی یک سازمان اداری و نظامی بجای یک سازمان حزبی خطاست و بفعالیت این سازمان حزبی زبان جبران ناپذیر میرسد.

اجزاء يك سازمان

هرسازمانی از لحاظ ساختمان و معماری در روشی خود مرکب از سه بخش عمدتاً است .

- الف (رهبری
- ب (کادر باگروه مسئولین و فعالین
- ج (اعضا عادی

دستگاه رهبری مغز سازمان، نیروی هدایت کننده آن درجاده مبارزه اجتماعی است. کادربهرت است از آن بخش اعضا حریفی که در شئون مختلف فعالیت سازمان کسب تخصص کرده است و ارگانهای مختلف را اداره میکند و دارای مسئولیت های گوناگون است. اعضا عادی سازمان که بدنه اساسی سازمان را تشکیل میدهند، اگر صحبت از يك سازمان حزبی انقلابی درمیان باشد، عناصر آگاه طبقات زحمتکشند که با قبول برنامه و آئین نامه حزب در آن شرکت جسته اند برای آنکه در مبارزه ثروتي اقتصادي و سياسي حزب، در مبارزات مسالمت آمیز و قهرآمیز، غنی و صغنی حزب شرکت فعال جویند. کارائی و شربخشی فعالیت هر سازمانی بسته بآنست که دستگاه رهبری آن در اوج وظایف خود باشد، مجهز بکادرو رزید و آبدیده باشد و اعضای آن از طرف رهبری و کادربد رستی بهرهش یابند و بد رستی در مبارزه مورد استفاده قرار گیرند.

مختصات ضروری يك سازمان

- هرسازمان انقلابی ضرورتاً باید دارای مختصات زیرین باشد :
- الف (داشتن برنامه علمائتظم شده ای در باره هد فهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سازمان
- ب (داشتن آئین نامه مقررات زندگی سازمانی
- ج (داشتن خط بشی روشن استراتژیک و تاکتیکی
- د (مجهز بودن به شعارهای فصح و روشن
- ه (داشتن ستروکتور سازمانی مشخص و متناسب با شرایط زمان و مکان و مبارزه
- و (داشتن پیوند وسیع با مردم از طریق میازمانهای توده ای و تسمه های ارتباطی دیگر
- ز (شرکت مبتکرانه و فعال در مبارزه روز مره و اجرا نقش مؤثر در تکامل جامعه .

هریک از این حلقات اگر مقود باشد آن سازمان دچار لنگش میشود و شخصیت خود را به عنوان سازمان انقلابی از دست میدهد .

سانترالیزم - د موکراتیک ، اصل غده سازمانی

اصل غده مرکزی و قانون زین سازمان انقلابی طبقه کارگر سانترالیزم - د موکراتیک است . مهمترین جهات سانترالیزم د موکراتیک عبارتست از :

- الف (انتخابی بودن ارگانهای رهبری کنند
- ب (گزارش د هی ارگانهای رهبری در برابر افراد سازمان
- ج (تبعیت اقلیت از اکثریت پس از اخذ تصمیم د موکراتیک و پس از شهر آزادانه در مسائل و تبعیت ارگانهای مادون از ارگانهای مافوق و عضو سازمان از تصمیمات سازمانی
- د (قابل تغییر بودن ارگانها و افراد
- ه (یکسانی انضباط برای همه افراد سازمان در هر مقامی که باشند
- و (اجرا اصل رهبری جمعی و مسئولیت فردی .

تجارب عدیده ای صحت اصل سانترالیزم - د مکرراتک را مطلقاً ثابت کرده است ولی همین تجارب نشان میدهد که در میان د قطب سانترالیزم و " د مکرراسی " گاه یکی از آنها عده است. تشخیص این مسئله دشوار است. بطور عموم ارگانهای رهبری مهمل به مطلق کردن مرکزیت دارند، چیزیکه سازمان حزبی را به ادای مبدل میکند و در آن محیط بهر مکرراتیک بوجود میآورد. افراد حزبی مهمل بمطلق کردن د مکرراسی دارند، چیزی که سازمان حزبی را بسوی انارشیزم میرد و آنرا از صورت سازمان در آورده به باشگاه بحث مبدل میسازد و قدرت پیکار جوشی آنرا از میان میبرد. از هر یک از این دو انحراف د و نوع اسلوب کار، یک اسلوب مهملی برد یکتا است و تحمل و سختگیهای غلط و اسلوب د دیگر مهملی به بیماری بحث، اغماض و لیبرالیزم پیچاید بد میشود. مسئله حفظ تعادل د پالکتیکی بین د قطب مسئله مرکزی در شیوه رهبری سازمانی است.

نرمش و تحول مقررات

گفتم که یکی از ضروریات هر سازمان انقلابی داشتن آئین نامه و مقررات تدوین زندگی سازمانی است. این مقررات را باید مانند قواعد و قوانین خد شه ناپذیر، همه جا و بطور یکسان اجرا گردد ولی در این زمینه نیز د و انحراف بروز میکند. افرادی هستند که مقررات و موازین را مطلق میکنند و تحول شرایط زمانی و مکانی و مراحل مبارزه را در نظر نمیگیرند. اینها افراد خشک و مقرراتی و اداری هستند. افرادی هستند که با تکیه به تحول شرایط، اصالت و ثباتی برای مقررات و موازین و ستریکتر سازمانی قائل نیستند و آنرا به سبب آئینت محض محکوم میکنند. حفظ تناسب صحیح د پالکتیکی بین این دو قطب نیز امریست دشوار و فوق العاده ضروری.

اوتوریته و انضباط

مسئله مربوط به اوتوریته و انضباط نیز از مسائل حاد و مهم و بفرنج است. آیا اوتوریته فردی و جمعی در حزب لازم است. بدون تردید. بدون اوتوریته فردی رهبران و جمعی ارگانها حل مسائل سازمانی و مبارزه یا د شواری انجام میگیرد. اوتوریته کار را تسهیل میکند. ولی اوتوریته نباید طبیعی باشد نه مصنوعی، مبنی بر قبول د اوطلبانه باشد نه بر اعراب و تحمل. اوتوریته مصنوعی و تحمیلی مفت نمیآورد و نه فقط کار را تسهیل نمیکند، خراب میکند. این بدان معنی نیست که در اطراف افراد و ارگانهای واقعا با اوتوریته، هیچگونه تبلیغی برای تمسق این اوتوریته نباید انجام گیرد، ولی این بدان معناست که نباید تنها از طریق تبلیغ برای ایجاد اوتوریته کوشید. مسائل ظاهری (جذب و گرفتن، روموشاندن، اجرا، تشریفات و غیره) نیز وسائل مناسب و شایسته فرد انقلابی برای کسب اوتوریته نیست.

مسئله انضباط نیز از مسائل بفرنج است. انضباط باید آگاهانه، مهملی بر اقتاع، مهملی بر شورو د اوطلبی باشد، زیرا بدون آن شرکت جانیازانه افراد در مبارزات بپراز محرومیت اجتماعی میسر نیست. لذا آنگاه انضباط یک امر جدا و مجرد از تمام حیات سازمان، هد فهای آن، شیوه رهبری سازمان و غیره نیست. لنین میذکر میگوید که یکی از شرایط اساسی حفظ انضباط آگاهانه صحت رهبری است. اگر رهبری د چار سکتاریزم یا اهریونیزم شود، طبیعی است که بندهای انضباط بحد روح سست میگردد. انضباط را نمیتوان تنها با وسائل سازمانی حفظ کرد. چنین انضباطی انضباط حزبی نیست. ولی در عین حال باید متذکر شد که مسئله انضباط د سازمان انقلابی مسئله مرکزی و حیاتی است. بدون انضباط حزبی، حزب وجود خارجی ندارد و قدرت پیکار جوشی آن بصر میوسد.

پاداش - سزا - اقتاع و اجبار

د سازمان حزبی باید عمل نیک پاداش باید و عمل بد سزا باید مرز بین نیک و بد صراحتاً وجود آید و الا آن سازمان کارائی و اثر بخشی خود را از دست میدهد. ولی این امر باید بر اساس ملاکهای عینی و رسیدگی انجام پذیرد نه بر اساس خواستههای ذهنی، بر پایه تعویض و خاصه خرجی و فائزیتیم، بر پایه

اعمال غرض و سو استفاده از مقام و غیره . ملاک معنی و رسیدگی در تحقیق تشکیلاتی دو شرط اساسی تنظیم صحیح واکنشهای مثبت و منفی حزب نسبت با افراد و ارگانهاست .
 قاعده مرکزی در حزب طبقه کارگر ائتلاف است . باید افراد را بصحت مشی ، تاکتیک و شعارها قانع کرد ولی بپروسه ائتلاف یک پیروسه بی پایان نیست . وقتی فرد حزبی با تصمیمات سازمانی روبرو شد باید ، علیرغم ائتلاف شخصی ، بآن عمل کند . تا زمانیکه فردی سازمانی است باید مقررات و موازین زندگی آن سازمان را اکید امرات کند . نقض موازین سازمانی عملی است ضد تشکیلاتی و مخرب . هیچ سازمانی حق ندارد چنین نقضی را بدو ن واکنش بگذارد . در چنین حالتی سازمان با قدامت انضباطی و اعمال اجبار تشکیلاتی دست میزند .

سرمیت و عنایت

اصل در زندگی سازمانی یک حزب انقلابی عنایت است ، یعنی افراد حزبی باید از زندگی حزبی و مشی آن بد رستی مطلع باشند ولی این بد آن معنا نیست که سرمیت در مورد مسائل و مواردی که پنهان ماندنش برای امنیت حزب و ارگانها و افراد آن لازم است نباید اکید امرات گردد . کسانی که دارای تعالی به مطلق کردن تمرکز هستند دارای تعالی به مطلق کردن سرمیت نیز هستند . مطلق شدن مرکزیت و سرمیت سازمان حزبی را از دموکراسی و کنترل توده ها و برخورداری از مشورت و ابتکار توده ها دور میکند و دچار انحطاط میسازد .
 لنین حتی در بدترین شرایط تسلط تزاریسم و زندگی در مهاجرت اهمیت خاصی میداد که مسائل با افراد حزبی در میان گذاشته شود . زیرا اگر درست است که حزب ستاد طبقه است اعضا این ستاد باید در تنظیم مشی آن شرکت فعال و آگاهانه داشته باشند .

III - مبارزه اجتماعی

مبارزه اجتماعی چیست؟

مبارزه یکی از اشکال عد و پراتیک اجتماعی انسانی است . مبارزه یعنی تلاش به اشکال گوناگون مسالمت آمیز تا قهرآمیز برای از میان برداشتن موانع و هموار ساختن جاده پیروزی آن اسر و هدمی که در شرایط معین فائق نیست . اگر این مبارزه برای پیروزی امر نو و دفاع از آن باشد مبارزه ، مبارزه ایست مترقی و وقتی این مبارزه برای پیروزی یا حفظ امر کهنه باشد مبارزه ، مبارزه است ارتجاعی . مبارزه اجتماعی دارای قتی است که استراتژی و تاکتیک نام دارد و همانطور که باید موازین و قوانین اساسی رهبری عملی حزب و شهضت را موخه همانطور هم باید این فن را فرا گرفت و قواعد و موازین آنرا دانست و الا این کاری نیست که سرسری بتواند سرانجام گیرد و یا با ناکامی حسن تصادف به نتیجه برسد .

قطبهای متضاد مبارزه

مبارزه اجتماعی پیروسه ایست بسیار متنوع ، مرکب از قطبهای مقابل مانند تعرض و عقب نشینی ، نریش و قاطعیت ، سازش و سرسختی ، جسارت و حزم ، شکیب و شتاب ، تدریج و تسریع ، کارآشکار و کار پنهانی ، روش مسالمت آمیز و روش قهرآمیز ، سرمیت و عنایت و غیره و غیره . بر حسب شرایط زمان و مکان در هر لحظه معین یکی از این دو قطب عد و میشود ، در حالیکه قطب مقابل هرگز از تا محو نمیشود . یافتن تناسب صحیح میان قطبین و انتقال بموقع از یک قطب به قطب دیگر یکی از دشوارترین وظایف است که فقط و فقط یک نیروی هدایت کننده مجرب و خردمند بر اساس تحلیل علمی فاکتورها میتواند آنرا ایجاد و لانج عد و گرفتن قطب غیر عد و برعکس ، یا تواسن در میان دو قطب با مبارزه زبان شدیدا میزند .
 مبارزه اجتماعی مبارزه ایست مرکب از گامهای و ناکامی ، شکست و فتح ، توقف و تعرض ، پیروزی و عقب

نشینی • باید توانست پس از هرنکامی ، تجارب لازم مثبت و منفی را برای کسب قدرت بیشتر در مرحله آتشی نبرد گرد آورد و از این تجارب بهره برداری نمود ، زیرا تکرار تجربه ی تجارب بهفایده است • اگر هدف درست باشد ، سازمان محکم رهبری صحیح ، مبارزه منجید و بهکسر از حوادث بد رستی عبرت اندوزی شود در طول مدت پرهیزی حتی است •

اشکال مبارزه

مبارزه با هیبت و نیروی دارای تضاد آشتی ناپذیر (آنتاگونیستی) است یعنی نیروهای که از جهت تاریخی سازش ناپذیرند و یکی ظهور و دیگری ظهور کهنه است و باید یکی جای دیگری را در تاریخ بگیرد و بسا آنکه ما بین دو نیروی است که در جهت مشترک تاریخ عمل میکنند و تضاد آنها لاقط درد روان معین در بین سنتز عالیتر قابل آشتی و ترکیب است • این دو نوع مبارزه از لحاظ کیفیت باهم تفاوت دارند • مبارزه ما بهیمن نیروهای انقلابی و مترقی با نیروهای محافظه کار و ارتجاعی مبارزه است ما بین قوای سازش ناپذیر ولی اختلافاتی که در درون نیروهای مترقی در میگیرد و مبارزه ای که از آن ناشی میشود از نوع دوم است • البته این دو نوع تضاد که از جهت کیفی مختلف هستند دارای مرز قاطعی نیستند و در روندگی و واقعیت زندگی طیف متصلی وجود دارد که در یک قطب آن عمیقترین تناقضات آشتی ناپذیر قرار دارد و در قطب دیگر آن سطحی ترین اختلافات حل شدنی و آشتی پذیر • قاعد کلی که میتوان ذکر کرد آنست که بر حسب درجه عمق اختلاف باید شیوه مبارزه تغییر کند • معمولا قاعد مبارزه در مورد اختلافات آشتی ناپذیر عبارتست از تکیه بر روی مبارزه ، تکیه بر روی تضاد ، عبارتست از افشاء تناقضات ، حاد کردن و تعمیق تناقضات ، نبرد بی امان تا نایل به غلبه و پیروزی • و اما در مورد اختلافات آشتی پذیر عبارتست از تکیه بر روی وحدت یا کوشش برای حل تضاد ، عبارتست از بر ملا کردن نقاط اختلافه انتقاد و کوشش برای نیل بیک سنتز عالیتر که موجب اتحاد عمیقتر شود • هیچ نسخه از پیش تنظیم شده ای نمیتوان برای حل این یا آن نوع مبارزه بدست داد و این مسئله ایست که باید با توجه باصول مذکور شده در عمل و بشکل تکثرت حل شود •

عرصه های مبارزه

مبارزه بد صورت عدد مبارزه طبقاتی و مبارزه ملی و نژادی در میآید و در هر صورت میتواند مسالمت آمیز و با قهر آمیز باشد • عرصه های عدد مبارزه طبقاتی عبارتست از مبارزه تشکیک ، مبارزه اقتصادی ، مبارزه سیاسی و اجتماعی • شکل عدد مبارزه تشکیک عبارتست از پولمیک ، شکل عدد مبارزه اقتصادی عبارت از مبارزات مطالباتی است • مبارزه سیاسی و اجتماعی بر حسب تنوع شرایط گاه بشکل مسالمت آمیز (مبارزات انتخاباتی و تظاهراتی) گاه بشکل قهر آمیز (قیام و جنگهای رهایی بخش) در میآید • هر یک از عرصه های مبارزه دارای موازین خاص خویش است • هیچک از عرصه های مبارزه را نمیتوان مطلق کرد و مبارزه یک حزب تضاد متنوع ترین و ذوجوانب ترین اشکال آن میتواند یک مبارزه قوی و موثر تاریخی باشد •

رتب و شیوه مبارزه بسته به چیست ؟

فراز و نشیب مبارزه و یکن بردن شیوه های مختلف و تمپ آن بستگی به دو عامل دارد : وضع خودی و وضع دشمن • وضع خودی با نیروی مترقی مبارزه از لحاظ قدرت صفوف ، عوامل مساعد و نامساعد طبیعی و بین المللی باید دقیقاً مورد سنجش قرار گیرد • مبارزه میتواند با سرعت یا بطی پیش رود ، دورانی عمل کند یا بشیوه مقابله و رو در رو (فریضتال) این چهار شیوه اساسی و ترکیب آنها بستگی بان شرایط پیش گفته دارد • در صورتیکه بررسی نشان داد که نیروی خودی در مجموع ضعیف و نیروی دشمن در مجموع قوی است باید با احتیاط و بشیوه های دورانی و مانور و روش تدبیر عمل کرد • در غیر این صورت کار با حراجوشی میشود • در صورتیکه بررسی نشان داد که نیروی خودی در مجموع قوی و نیروی دشمن در مجموع ضعیف است باید با

جسارت و سرعت بشیوه رود و قاطع عمل کرد. در غیر اینصورت کار به اینجور تنبیس میکشد. نباید شیوه قاطع (راد یکالیم) و شیوه تدبیر (رفورمیسم) را مطلق کرد و آثار همیشگی و ابدی دانست. یک نیروی مجرب و عاقل جایی انقلابی عمل میکند، جایی رفورمیستی. باین مناسبت بسیار بجاست نقل قول جالبی از لنین، یکی از بزرگترین تاکتیسین های انقلاب بهایوم:

" برای انقلابی واقعی بزرگترین خطر و شاید تنها خطر عبارتست از اغراق در انقلابیته فراموش کردن حدود و شرایط بکار بردن موفقیت آمیز این شیوه های انقلابی. انقلابیون واقعی وقتی شروع کردند انقلاب را با حروف برجسته بنویسند، و "انقلاب" را بچیزی الهی مبدل کنند، وقتی شروع کردند کج شوند و استعداد درک این نکته را که در چه لحظه ای و در چه شرایطی و در چه رشته علمی باید بشیوه انقلابی عمل کرد و در چه لحظه و در چه شرایط و در چه رشته علمی باید توانست بشیوه رفورمیستی برداخت، بنحوی هر چه خرد مندانه تر و هشیارانه تر از دست دادند، در اینکار کردن خود را شکاندند." (کلیات - ج ۳۳ صفحات ۸۶-۸۷، مقاله " درباره اهمیت طلا")

هد فها و مراحل استراتژیک و تاکتیک

هر مبارزه ای باید دارای هد فهای روشن، علمی، واقعی و قابل حصول از جهت تاریخی باشد و الا آن مبارزه تلاش عشی است. هد فها را معمولاً بدو دسته تقسیم میکنند: هد فهای نهایی که هد ف استراتژیک نام دارد و دوران معین (استراتژیک) تکامل مبارزه را در بر میگیرد. مثلاً برای تجدیل جامعه از سرمایه داری به سوسیالیسم باید یک دوران استراتژیک را طی کرد. هد فهای استراتژیک را باید بر اساس تحلیل علمی جامعه صرف نظر از مشکلات وصول بدان و با جسارت مطرح ساخت. این هد فها باید روشن و بدون ابهام باشند تا رزنده بماند باچه موافق است، باچه مخالف. اما برای نیل به هد ف استراتژیک باید مراحل تاکتیکی را گذراند و متناسب با این مراحل باید هد فهای تاکتیکی را مطرح ساخت. اینجا باید کلیه شرایط موجود، کلیه مشکلات، کلیه بعلاوه ها و مناهاراد را نظر گرفته قوای خود و دشمن را سنجید و آنچنان هد ف را در برابر نهاد که از جهت تاکتیکی یعنی برای دوران کوتاه و واقعا قابل حصول باشد. مناسب باشد فهای استراتژیک و تاکتیکی شعارهای استراتژیک و تاکتیکی بماند. علاوه بر این شعارهای استراتژیک و تاکتیکی، شعارهای عملی هم وجود دارد که برای این پایان بخش مشخص مبارزه روزانه است. مسئله تعیین مراحل تاکتیکی و شعارهای آن و شعارهای درست عمل که قدرت تجهیز داشته باشد مسئله ایست دشوار و تنها بر اساس شناخت درست جامعه معین و سنن و روحیات و آرایش طبقاتی و گرایشهای رشد و غیره آن جامعه میتوان این معضل را بد رستی حل کرد. هرج و مرج و سوشلیسیسم در این زمینه به نتایج شوم منجر میگردد.

مسئله مرز بندی و تشخیص و تجزیه نیروها (دیاگنوستیک نیروها)

در هر مبارزه ای نتیجه حاصله مربوط به تناسب قوای است که در مبارزه واردند. لذا یکی از نکات مهم فن مبارزه بررسی و تشخیص درست آرایش و تناسب قواست. باید نیروی طرفداری نیروی مخالف و نیروی بیطرف را بد رستی تشخیص داد. در نیروی بیطرف نیز باید بیطرفی خنثی و بیطرفی مساعد و بیطرفی نامساعد را از یکدیگر جد کرد. قاعده اساسی و طلایی در هر مبارزه عبارتست از نیل به تجمع حد اکثر نیرو علیه دشمن و مفرد کردن هر چه بیشتر آن. برای این منظور باید کلیه نیروهای طرفداری را متحد کرد، نیروی بیطرف مساعد و خنثی را به مبارزه جلب نمود، نیروی بیطرف نامساعد را در موضع بیطرفی نگاه داشت و مانع شد که به نیروی دشمن بپیوندد و نیروی دشمن را تجزیه کرد و سرسخت ترین آنها را مفرد کرد و از صحنه خارج ساخت. این مسئله مرز بندی و تشخیص و تجزیه قوا مهمترین نکته در مبارزه است و لازمه حل صحیح آن داشتن دید درست و تجربه است. روشهای سنگانستی که منجر بانفراط نیروی انقلابی میشود ضررترین روشها در امر مبارزه است. انقلاب بی...

"نامازگار" فقط پاکسانی که با طمع هد لها و شیوه ها و روشهای آنها مواقتد حاضرند همزم شوند. این امر ضجر بان میشود که بجای انفراد نیروی دشمن، انفراد نیروی انقلابی حاصل میآید. در همین حال ترمش در جلب تو نباید ضجر به آن شود که مرز بین دوست و دشمن از میان برود و با همدم در صفتند بها برقرار شود. زمان این خطا از زمان خطای اهل کفر نیست زیرا خطر از میان رفتن خود هدف مبارزه را تشدید میکند. جامعه در تحول است، آرایش طبقاتی و سیاسی در آن در تحول است. باید توانست این تحول را درک کرد و آن نیروی که تاد بریز جز "دشمن و ذخیره" نامساعد بود و امروز به طرف ما حتی مساعد شده است به موقع تشخیص داد و همچنین برعکس.

مسئله تجزیه قوای دشمن و استغاده از اختلافات بین آنها دارای اهمیت تاکتیکی غیر قابل تردید است. برخی عناصر سکتانست این نوع اختلافات را مهم نمیشمرند و آنرا بکلی رد میکنند. لنین در این باره چنین مینویسد:

"ظبه برد دشمن طبقاتی ممکن است تنها از راه استغاده حتمی، دقیق، با مواظبت، احتیاط آمیز، ماهرانه همه، حتی کمرتن شکاف بین دشمن، انواع گروهها و انواع نیروهای درد اخل کشورهای مختلف... کسی که این را نفهمد، از مارکسیسم و از موسیالیسم ذره ای واصل چیزی نفهمد است." (کلیات پروسی، جلد ۳۱، صفحه ۵۲). لنین همچنین میگوید:

"باید بین "نماینندگان عاقل بورژوازی و دولت و "عناصر ماجراجو" از جهت برخورد فرقی گذاشت." (کلیات - جلد ۳۳، صفحه ۱۱۴).

تکته دیگری که در همین زمینه باید گفت آنست که اصل در میان نیروهای دوست و بیطرف مساعد تکبیه بورژوازی است. بقول مارکس در میان نیروهای انقلابی هرگونه تفرقه ای ارتجاعی است و اصل در بین قوای مخالف تجزیه آن قوا و ایجاد تضاد بین آنهاست.

پیش بینی حوادث (پروگنوستیک)

یکی از شرایط مهم موفقیت در مبارزه قدرت پیش بینی حوادث، دیدن گرایشهای نهان، داشتن قدرت جسم و تصور علمی آینده ای که اکنون وجود ندارد و، متگیری در جهت این آینده است. بدون تردید پیش بینی علمی فقط تحلیل عمیق و عینی واقعیت، با اطلاع بقوانین عام و خاص کامل آن واقعیت، یاد داشتن تجربه و شتم اجتماعی میسر است و الا کسی را اطلاع بر مغیبات میسر نیست. خاصیت داشتن پروگنوستیک صحیح از حوادث آنست که شخص مبارز با ستاد رهبری کند. مبارزه میتواند تاکتیکیهای رایگان برد که اثر بخشی آن طولانی است و خود را برای چرخش حوادث آماده کند و از غافلگیر ماندن جلوگیری بعمل آورد زیرا مهمترین پایه مبارزه غافلگیری است یعنی دچار شدن ناگهان و بدون تدارک قبلی بیک وضع. تشخیص صحیح قوای متخاصم و پیش بینی صحیح مراحل آتی مبارزه شرایط حتی پیروزی در مبارزه است.

تدارک برای سخت ترین، آماده گی برای بدترین

اگر گردانندگان مبارزه بورژوازی سهولت مبارزه و مساعدت سخت حساب کنند، به پیروزی در هر مرحله نبرد مطمئن باشند، بادل آسودگی کار کنند، دشوار است که بتوانند فاتح شوند. تنها ساز زمانی که برای سخت ترین صحنه های مبارزه تدارک لازم راد آشته باشد و برای بدترین وقایع آماده شود میتواند از مبارزه پیروز در آید. در جریان مبارزه، نیروی انقلابی بکرات با هجوم انواع مشکلات رو برو میشود. باید مشکلات را به گروهها و مخطف تقسیم کرد و آنها را بر حسب اهمیت فالاهم حل کرد. بکاره همه کار نمیتوان دست زد. باید کسروه مشکلهار اطوری رد پف بندی کرد که حل یکی شرط حل دیگری باشد و سپس آنها را از سر راه برداشت.

ترصد ، تعرض ، عقب نشینی

سه مقوله ترصد ، تعرض ، عقب نشینی از مقولات مهم مبارزه است . تشخیص زمان این سه مقوله اهمیت فراوان در هر روزی دارد . باید هر سه فن : فن شکب و ترصد برای وصول ریز مساعد ، فن عمل سریع و شدید و قوی وقتی شرایط مساعد رسیده است ، فن بیرون کشیدن قوا از میدان وقتی اوضاع به زیان انقلاب درگیر شدن شده است را آموخت . هر سه فن بسیار مشکل و بسیار حیاتی است . ولی نه فقط تعرض و عقب نشینی ، دوران ترصد نیز دورانی است پراز عمل . در این دوران باید برای نبردهای آتی از هر باره و در هر زمینه آماده شد یعنی ترصد یک سازمان انقلابی ترصد فعال است نه ضعیف و پاسیف یا بصورت یک انتظار لغت و خالی از عمل .
